



رئیس جمهور بعدی ایران و سومین راهبردهسته ای

* حسین موسویان

تاریخ: ۲۲ خرداد ۱۳۹۲ - ۰۱:۵۲

کد خبر: ۱۱۶۰۴۴



با برگزاری انتخابات ریاست جمهوری ایران در چند روز آینده، موضوع سیاست های هسته ای ریاست جمهوری تازه ایران چشم وگوش جهانیان را به خودمعطوف کرده است.

سابقه بحران هسته ای جاری به ۱۳۸۲ بر میگردد که محمد البرادعی دبیر کل آژانس بین المللی انرژی هسته ای از تاسیسات هسته ای نطنز دیدن کرد و رسماً اعلان نمود که ایران از جمله ده کشوری است که به فن آوری ها و توانمندی های غنی سازی هسته ای دست یافته است. از آن زمان تا کنون ایران و جهان دو دیپلماسی متفاوت هسته ای، یکی در زمان تصدی محمد خاتمی و دیگری در دوران محمود احمدی نژاد با هزینه ها و ثمر بخشی های متفاوت، را آزموده اند.

در زمان تصدی خاتمی که من سخنگویی تیم مذاکره کننده پرونده هسته ای ایران را بعهده داشتم، بنای دیپلماسی که به "دیپلماسی تعامل هسته ای" موسوم شد براساس دو خط قرمز مشخص پایه ریزی شده بود، یکی تضمین حق ایران به برخورداری از فن آوری های صلح آمیز هسته ای از جمله غنی سازی و دوم جلوگیری از ارجاع پرونده هسته ای ایران به شورای امنیت سازمان ملل.

در آغاز بحران هسته ای در سال ۱۳۸۲، هیئت حکام آژانس قطعنامه ای را بتصویب رساند وخواستار تعلیق کامل همه فعالیت های غنی سازی از سوی ایران و در عین حال دسترسی آژانس به تاسیسات هسته ای فراتر از معاهده ان پی تی شد و یک مهلت ۵۰ روزه هم در اختیار ایران گذاشت تا به آن عمل کند. در این زمان ابهامات گسترده ای در ارتباط با ماهیت برنامه هسته ای ایران وجود داشت. آمریکا که از سال انقلاب در سال ۱۳۵۷ در کمین جمهوری اسلامی نشسته بود، موضوع هسته ای ایران را فرصتی طلایی دانست تا پرونده ایران را به شورای امنیت سازمان ملل کشانده، ایران تهدید برای صلح و امنیت بین الملل قلمداد شود تا بدین وسیله راه را برای تحریم های بین المللی، انزوا و در صورت امکان حمله نظامی، به ایران باز کند.

ایران در حالیکه با این گونه نگرانی ها رو در رو بود به منظور اطمینان بخشیدن به جامعه بین الملل، با اعمال حد اکثر تدابیر شفاف سازی و همکاری با آژانس بین المللی هسته ای با اجرای موقت پروتکل الحاقی و ترتیبات فرعی ۳.۱ موافقت کرد. همچنین به منظور اعتماد سازی بطور داوطلبانه و موقت، برخی از فعالیت های غنی سازی را تعلیق کرد و وارد مذاکرات سیاسی با گروه سه کشور اروپایی انگلیس، فرانسه و آلمان شد و مقام رهبری ایران هم با این تدابیر موافقت کرد.

با اعمال این سیاست، ایران به چند دستاورد سیاسی، امنیتی و تکنولوژیک هسته ای در زمان ریاست جمهوری خاتمی نائل شد که به تعدادی از آن ها ذیلا اشاره می کنم:

۱. ایران موفق شد از ارجاع پرونده هسته ای به شورای امنیت سازمان ملل و سیل تحریمها جلوگیری کند.

2. ضمن پافشاری بر به رسمیت شناخته شدن حقوق هسته ای خود از سوی جامعه بین الملل، ایران به چیرگی و مهارت و توسعه بیشتر در کار غنی سازی هسته ادامه داد.
 3. آژانس در پی بازرسی های گسترده از تاسیسات هسته ای ایران در قطعنامه های خود پذیرفت که هیچ نشانه ای از انحراف برنامه هسته ای ایران به سمت ساخت سلاحهای هسته ای وجود ندارد.
 4. در فاصله یک سال بعد از قطعنامه شهریور 1382، هیئت حکام آژانس پس از صدور 6 قطعنامه، تصمیم گرفت تا پرونده ایران را از دستور کار دوره ای آژانس خارج شود.
 5. در این فاصله در حالیکه تلاش های آمریکا برای ایجاد اجماع جهانی علیه ایران با شکست مواجه شده بود، ایران توانست روابط خود را با قدرت های بزرگ جهان از جمله کشورهای همسایه، اتحادیه اروپایی، ژاپن و چین را بهبود بخشد
 6. با وجود آنکه آمریکایی ها و اروپایی ها در ابتدا خواستار توقف دائمی غنی سازی بعنوان یک تعهد قانونی از سوی ایران شده بودند اما روسیه، اروپا، چین و آژانس بین المللی انرژی اتمی نهایتاً پذیرفتند که امر تعلیق به شکل یک اقدام داوطلبانه موقت از سوی ایران بمنظور تحکیم اعتماد باشد و نه یک تعهد قانونی.
 7. آژانس از مطالبه دسترسی های نامحدود و فراتر از معاهده ان پی تی به تاسیسات هسته ای ایران چشم پوشی کرد و طی قطعنامه ای پذیرفت که بازرسیها به چهارچوب پروتکل الحاقی معاهده ان پی تی محدود شود.
 8. با ادامه مذاکرات، ایران ضمن همکاری با آژانس به پیشرفت در برنامه هسته ای خود ادامه داد و گام های عمده ای در زمینه های فن آوری و تکنولوژی برداشت. این پیشرفت ها شامل توسعه پروژه آب سنگین اراک، تکمیل و راه اندازی تاسیسات تبدیل اورانیوم در اصفهان و افزایش تعداد سانتریفیوژ های نطنز از 100 به 3000 بود. یعنی ظرف کمتر از دو سال بطور متوسط ماهیانه حد اقل 120 سانتریفیوژ تولید شد.
- این دستاورد ها برای ایران هزینه هایی را هم در بر داشت. موافقت ایران با تعلیق موقت، محدود و دوره ای غنی سازی در داخل کشور و صد البته کوتاهی اروپا و آمریکا در نهایی کردن توافق با ایران، به ناشکیبایی هایی در داخل ایران منجر شد و میانه رو ها را با فشارهای سنگینی روبرو ساخت. موضوع هسته ای در جریان مبارزات انتخاباتی ریاست جمهوری در سال 2005 به یک سکوی عمده مبارزات انتخاباتی تبدیل شد. در طول مبارزات انتخاباتی و بعد آن برخی از رادیکالها تیم مذاکره کننده دولت خاتمی را به خیانت متهم کردند و آن ها را ابزارهایی در دست غرب خواندند که "حقوق و آرمان های کشور را فروختند".
- لاجرم سیاست های هسته ای زمان تصدی احمدی نژاد؛ مسیر متفاوتی را پیش گرفت. در این دوران تنها یکی از دو خط قرمز دوران خاتمی، یعنی حقوق هسته ای ایران، بعنوان خط قرمز در چهارچوب کار دولت جدید قرار گرفت و جلوگیری از ارجاع پرونده هسته ای به شورای امنیت سازمان ملل دیگر خط قرمز برای ایران نبود.
- سیاست های هسته ای دولت احمدی نژاد در 8 سال هم البته دستاوردهایی داشت. فعالیت های غنی سازی شتاب گرفتند. ایران تعداد سانتریفیوژها را از 3000 به 12000 افزایش داد، یعنی ظرف هشت سال بطور متوسط ماهیانه 94 سانتریفیوژ، اضافه شد. سطح غنی سازی از 5 در صد به 20 در صد رسید و سطح ذخائر اورانیوم غنی شده به چیزی بیش از 8 تن افزایش یافت. ایران میله سوخت تولید کرد. بزرگ ترین دستاورد این خط مشی سیاسی این بود که به جامعه بین المللی نشان داد که پیشرفت های هسته ای ایران بازگشت ناپذیرند.
- در عین حال هزینه های سیاست هسته ای دوران احمدی نژاد نیز سهمگین بودند که ذیلا به برخی از آن اشاره میشود:
1. پرونده هسته ای ایران بار دیگر به دستور کار نشست های دوره ای شورای حکام آژانس بازگشت که تا کنون 6 قطعنامه تازه بدنبال داشته است.
 2. پرونده هسته ای ایران به شورای امنیت سازمان ملل ارجاع شد که تا کنون 7 قطعنامه تحریم بر علیه ایران صادر شده است.

3. شورای امنیت، برنامه هسته ای ایران را بر مبنای فصل هفتم منشور سازمان ملل تحت عنوان تهدیدی بر علیه صلح و امنیت جهانی رده بندی کرد.

4. شورای امنیت سازمان ملل تا کنون تحریم های اقتصادی همه جانبه و بی رحمانه ای را بر علیه ایران اعمال کرده است.

5. قدرت های عمده جهان مثل اروپا، روسیه، چین، هند و ژاپن در اجرای تحریم های فلج کننده همه جانبه بین المللی و حتی تحریمهای یک جانبه فراتر از تحریم های شورای امنیت سازمان ملل، به ماشین جنگی آمریکا پیوستند.

6. روابط خارجی ایران بشدت رویه اضمحلال گذاشت. برای مثال، طبق اسناد منتشره وزارت خارجه آمریکا توسط ویکی لیکس، کشورهای عرب همسایه بکرات از آمریکا خواسته است تا با حمله به ایران به برنامه سلاح های هسته ای خاتمه بدهد و حتی پادشاه عربستان، زاشنگتن را تشویق کرده است تا به یکباره " سر مار را از تن جدا کند".

7. کنگره آمریکا جامع ترین تحریم هایی را که تاکنون بر علیه کشوری در جهان به اجرا در آمده بطور یکجانبه به تصویب رسانده است. این تحریم ها در حالیکه به بهانه برنامه هسته ای ایران مطرح شدند اما آنها را به موضوع تروریسم و حقوق بشر مرتبط کردند. این شبکه تحریم ها که از حوزه مسائل هسته ای فراتر رفته، امکان رسیدن به یک راه حل با دوام در مورد پرونده هسته ای ایران را بیش از پیش پیچیده و دشوار کرده است.

8. بار دیگر تعلیق غنی سازی از یک اقدام داوطلبانه و به منظور اعتماد سازی و بدون هیچگونه تعهد قانونی به یک الزام قانونی مصوبه شورای امنیت سازمان ملل تبدیل شد.

9. دسترسهای نامحدود و فراتر از معاهدات ان پی تی به برنامه ها و تاسیسات هسته ای ایران تحت عنوان الزام و تعهد بین المللی برای ایران به تصویب آژانس بین المللی انرژی اتمی و شورای امنیت سازمان ملل رسید.

10. از سال 2011 تا کنون ادعای نظامی برنامه هسته ای به موضوع محوری گزارش ها و قطعنامه های آژانس بدل شده است

در عین حال رییس جمهور جدید ایران نه قادر به ادامه سیاست هسته ای دولت خاتمی خواهد بود چراکه پرونده هسته ای ایران قبلا به شورای امنیت ارجاع شده، و نه خواهد توانست از راهبرد های دولت احمدی نژاد پیروی کند چرا که بایستی تحریم های همه جانبه و یک جانبه تحمیل شده بر ایران از میان برداشته شوند.

فهم درست این ملاحظات در حوزه سیاست های داخلی مربوط به دیپلماسی هسته ای و در نظر داشتن عواقب و ثمرات راهبرد های دو دولت گذشته، به گروه کشورهای 1+5 و رییس جمهور بعدی ایران در طرح راه حلی واقع بینانه و مرضی الطرفین یاری خواهد رساند. گرچه تصمیم نهایی در اختیار مقام رهبری کشور خواهد بود، اما رییس جمهور بعدی ایران نقشی بسیار مهم در شکل گیری راهبرد هسته ای ایران خواهد داشت، زیرا رویه مقام رهبری مدارا با دولتهاست.

توصیه من به گروه 1+5 این است که کلید جادویی برای پایان بخشیدن به این معضل در احترام به "حقوق ایران در چهار چوب ان پی تی" است که از جمله شامل مقوله غنی سازی می شود. به رییس جمهور بعدی ایران هم این توصیه را می کنم که حداکثر شفاف سازی و همکاری با آژانس بین المللی انرژی هسته ای را بپذیرد و همینطور در مورد آینده برنامه هسته ای ایران، تا حد امکان اطمینانهای لازم در مورد عدم انحراف به سمت ساخت سلاح را بدهد.

ناگفته نماند که برای دستیابی به یک پیشرفت چشمگیر، هم اوباما در دور دوم ریاست جمهوری اش وهم رییس جمهور جدید ایران نباید خود را در چهارچوب موضوعات هسته ای محدودکنند. بلکه بایستی جامعتر از "جعبه هسته ای" بیاندیشند و در جهت همکاری درمسائل مربوط به منافع مشترک دو ملت از جمله معضلات سوریه، عراق و افغانستان و یا مقولات مربوط به امنیت انرژی گام بردارند. بهبود روابط ایران و آمریکا بگونه ای اجتناب ناپذیر بر امکان پیشرفت در مذاکرات همه جانبه هسته ای خواهد افزود.

سید حسین موسویان پژوهشگر مدرسه وودروویلسون در پرینستون نیوجرسی است و ریاست سابق کمیته

روابط خارجی شورای امنیت ملی ایران را بعهدہ داشته است . کتاب اخیری با نام " بحران هسته ای ایران:خاطرات" اخیرا توسط موسسه صلح بین المللی کارنگی به چاپ رسیده است .

منبع: المانیور